

تحلیل نحوی وجوه فعل و حصر و قصر داستانهای محمود دولت آبادی در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۰

کبری ویسی، اصغر رضاپوریان*

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

سال نوزدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۶، صص ۳۲۵-۳۰۵

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8355>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: علم معانی یکی از شاخه های علم بلاغت است که به بررسی تناسب ساختار کلام با مقتضای حال و چگونگی انتقال معانی و اغراض ثانوی در بافت سخن میپردازد. نویسنده میتواند با بهره گیری هنرمندانه از شگردهای علم معانی، نثری روایت محور و اندیشه ورزانه خلق کند و بر لایه های معنایی و عاطفی متن بیفزاید. محمود دولت آبادی از نویسندگان نسل سوم داستان نویسی ایران است که جایگاه خاصی در ادب فارسی داستان نویسی معاصر دارد و ویژگیهای زبانی و روایی آثار او زمینه مناسبی برای بررسی پیوند میان نحو و معنا فراهم میکند.

روش مطالعه: پژوهش حاضر با هدف بررسی نحوی وجوه فعل و حصر و قصر در آثار داستانی دولت آبادی، بنیادی و از نظر گردآوری داده ها با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد آماری انجام شده است.

یافته ها: یافته ها نشان میدهد دولت آبادی از علم معانی میان ساختار جمله و معنا ارتباط معنایی ایجاد کرده و همچنین کاربرد علم معانی صرفاً جنبه آرایه ای ندارد بلکه با ساختار روایت، شخصیت پردازی، فضا سازی و انتقال دیدگاه نویسنده در ارتباط است. از حذف و ذکر، کوتاهی و بلندی ساختارها، پیوند و گسست جمله ها و دیگر ظرفیتهای نحوی برای برجسته سازی معنا و القاء حالات ذهنی و عاطفی شخصیتها استفاده نموده است.

نتیجه گیری: علم معانی در آثار دولت آبادی نه تنها در خدمت بلاغت و زیبایی شناسی متن است؛ بلکه در لایه های معنایی، روانی و اجتماعی روایت نیز نقش اساسی ایفا میکند و همین موضوع باعث شده زبان نثر دولت آبادی، زبانی زنده، مؤثر، تأمل برانگیز و منحصر به فرد باشد.

تاریخ دریافت: ۰۳ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ داوری: ۰۵ تیر ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۲۰ تیر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۰۴ شهریور ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

علم معانی، داستان نویسی معاصر، تحلیل نحوی

* نویسنده مسئول:

✉ rezaporian@iaui.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Syntactic Analysis of Verb Moods and Structures of Restriction and Limitation in the Stories of Mahmoud Dowlatabadi (2011–2021)

Kobra Veisi, Asghar Rezapourian

Department of Persian Language and Literature, ShK.C., Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 24 May 2026

Reviewed: 26 June 2026

Revised: 11 July 2026

Accepted: 26 August 2026

KEYWORDS

Semantics, contemporary fiction writing, syntactic analysis.

*Corresponding Author

✉ rezapourian@iaui.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The science of *Ma'āni* (semantics/rhetorical syntax) is a branch of rhetoric that examines the alignment of linguistic structure with the exigencies of the context (*muqtadā-ye ḥāl*), as well as the transmission of meanings and secondary rhetorical purposes within the discourse. By skillfully employing the techniques of this discipline, a writer can craft narrative-driven, contemplative prose and enrich the text's semantic and emotional layers. Mahmoud Dowlatabadi, a prominent figure among the third generation of Iranian fiction writers, holds a distinguished place in contemporary Persian literature; the linguistic and narrative characteristics of his works offer an ideal basis for examining the interplay between syntax and meaning. Study Method: This fundamental research aims to syntactically analyze verb moods and the rhetorical devices of restriction and limitation (*ḥaṣr* and *qasr*) in Dowlatabadi's fiction; the study employs a descriptive-analytical method combined with a statistical approach for data collection and analysis.

METHODOLOGY: The present study, which aims to examine the syntax of verb moods and the structures of restriction and limitation (*ḥaṣr* and *qasr*) in the fictional works of Dowlatabadi, is fundamental in nature and employs a descriptive-analytical method combined with a statistical approach for data collection.

FINDINGS: The findings indicate that Dowlatabadi establishes a semantic link between sentence structure and meaning; furthermore, his use of the science of *Ma'āni* (semantics/rhetoric of meaning) transcends mere ornamentation, playing an integral role in narrative structure, characterization, atmosphere creation, and the conveyance of the author's perspective. He employs techniques such as omission and inclusion, structural brevity and length, sentence connection and disconnection, and other syntactic potentials to foreground meaning and evoke the characters' mental and emotional states.

CONCLUSION: In Dowlatabadi's works, the study of semantics (*'ilm-e ma'āni*) serves not only the rhetoric and aesthetics of the text but also plays a fundamental role in the semantic, psychological, and social layers of the narrative; this is precisely what renders Dowlatabadi's prose style vibrant, impactful, thought-provoking, and unique.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8355>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 25	 9	 8

مقدمه :

محمود دولت آبادی ، نویسنده ، نمایشنامه نویس و فیلمنامه نویس معروف ایرانی که با لقب « شوالیه ادب و هنر ایران » شناخته میشود در دهم مرداد سال ۱۳۱۹ در روستای سبزوار از توابع استان خراسان به دنیا آمد . پدرش با وجود تحصیلات حوزوی محدود ، از مراجع دینی روستا به حساب می آمد ، تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساند سپس به سبزوار رفت و کارهای مختلفی را تجربه کرد .

نثر دولت آبادی ، نثری زنده ، جالب و اثرگذار است به گونه ای که خواننده تمام شخصیتها ، مناظر، توصیفها ، پدیده های طبیعت و ... را با چشم میبیند. سبک نوشتاری وی ، سبک رئالیسم است ؛ یعنی بیان تمام و کمال واقعیتهای یک ماجرا . مهارت نوشتاری وی به گونه ای است که تا مدتها پس از مطالعه داستان ، تصویر تک تک شخصیتها ، حالات روحی و قهرمانان داستان در ذهن خواننده باقی میماند . زبان نوشتاری دولت آبادی از بیهقی وام گرفته شده و از زبان و گویشهای محلی استفاده میکند که در دلنشینی و زیبایی داستانهایش مؤثر است . زبان داستانهای وی متأثر از فضا ، موقعیت تاریخی و جغرافیایی زندگی اوست حتی گاهی نیز بیانش به شعر نزدیک میشود . نوع زبان دولت آبادی تابع حرکت صحنه هاست و شخصیتها و موضوعات متفاوت داستانهایش، نشان دهنده نگرانیها و دل مشغولیهای وی از عصریست که در آن ، زندگی میکند . لحظات حساس و پرشتاب داستان مخاطب را هیجانی میکند و آن قدر غرق داستان میشود که داستان مثل فیلمنامه ای از مقابلش میگذرد . شروع داستانهای دولت آبادی معمولاً با داستان و حادثه ای آغاز میشود به گونه ای که داستان حول و پیرامون آن موضوع شکل میگیرد و کم کم زوایای پنهان و رمزآموز داستان روشن میگردد و با معرفی شخصیتهای اصلی داستان بر اساس بحران آغازین ، داستان در مسیر نمایش قرار گرفته و پیش میرود .

بیان مسئله :

علم معانی بخشی از علم بلاغت است که به روشهای مختلف بیان معنا میپردازد . این روشها نه تنها در ادبیات ، بلکه در داستان نویسی نیز حائز اهمیت هستند . ادبیات داستانی معاصر ایران ، بستر مناسبی برای مطالعه جنبه های گوناگون زبانی ، بلاغی و سبک شناختی را فراهم نموده است . در این میان دولت آبادی ، از نویسندگان برجسته و پرکار معاصر ، بواسطه زبان خاص ، نثر منحصر به فرد و نگاه اجتماعی و انسانی خاصی که به موضوعات اجتماع و محیط پیرامون خود دارد ، جایگاه ویژه ای در میان نویسندگان و خوانندگان دارد . در داستانهای وی ، زبان ، نه تنها بعنوان وسیله ارتباط و انتقال معنا ، بلکه بعنوان بخشی از معنا و روایت است بگونه ای که بررسی ویژگیهای بلاغی زبان میتواند درک عمیقتری از کاربرد زبان و بلاغت در آثار وی را تبیین نماید . در این پژوهش بر آن هستیم ، دو مبحث از مباحث علم معانی یعنی وجوه فعل و حصر و قصر را در داستانهای دولت آبادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم .

داستانهای دولت آبادی در دهه ۱۴۰۰-۱۳۹۰ از دقت زبانی و تأمل سبکی بیشتری برخوردارند . تحلیل وجوه فعل در آثار دولت آبادی نشان میدهد که وی از وجوه فعلی برای بازنمایی تجربیات زندگی ، حالات ذهنی و تقابل قدرت میان شخصیتها و از حصر و قصر به عنوان ابزارهای مهم ساختاری و معنایی بهره میگیرد . استفاده از « حصر » و محدود کردن جملات باعث ایجاد تنش و تمرکز بر لحظات مهم و حساس متن میشود همچنین « قصر » ، جملات طولانی و توصیفی یا اطناب به نویسنده این امکان را میدهد که فضای داستان را عمیقتر و واضحتر به تصویر بکشد تا تأثیرگذاری بیشتری در ذهن مخاطب ایجاد نماید ، بنابراین بررسی آثار دولت آبادی در این بازه زمانی ، هم از

نظر زیانشناسی و هم از لحاظ ادبی و سبکی دارای اهمیت است و درکارکردهای هنری و معنایی متن بسیار تأثیرگذار هستند.

اهمیت و ضرورت پژوهش :

علم معانی بعنوان یکی از ارکان بلاغت، به بررسی مطابقت سخن مبتنی بر مقتضیات حال و مقام مخاطب و نحوه تأثیرگذاری کلام بر مخاطب میپردازد. این علم که یکی از بخشهای بلاغت است به نویسنده کمک میکند تا پیامش را بهتر و مؤثرتر منتقل نماید. بررسی و شناخت این علم در آثار نویسندگان معاصر باعث میشود تا لایه‌های پنهان متن روشنتر و جایگاه زبان در روایت مشخصتر گردد و نیز نشانگر این است که علم معانی بعنوان شاخه‌ای از علم بلاغت، فقط مختص به متون کلاسیک نیست و در تحلیل آثار ادبی معاصر نیز نقش مهمی دارد. علم معانی با تمرکز بر ساختار نحوی جمله، نوع جمله، ترتیب اجزاء، حذف و ذکر، ایجاز و اطناب، حصر و قصر و ... در تولید معنا و بلاغت اثر داشته و تأثیر شگرفی در شکل‌گیری سبک داستانی و روایتها دارد. این پژوهش با تکیه بر مفاهیم بلاغی کهن، ابزاری جدید برای تحلیل متون داستانی معاصر در اختیار منتقدان و مخاطبان علاقه‌مند به متون ادبی معاصر قرار میدهد. در نقد ادبی معاصر، بیشتر پژوهشها یا به موضوعات کلی درباره زبان و سبک نویسندگان میپردازند یا فقط بر محتوای داستانها تمرکز دارند. نقدهایی که بر آثار دولت‌آبادی نوشته شده اغلب در موضوعات جامعه‌شناسی، ادبیات، رئالیسم و یا بازنمایی تاریخ اجتماعی هستند که تحلیل این آثار با نگاه علم معانی میتواند روش تازه‌ای برای نقد ادبی فراهم سازد. نقد ادبی معاصر ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند ابزارهای دقیق زیانشناسی و بلاغی است تا بتواند با تکیه بر شواهد زبانی، تحلیلهایی عمیق، مستند و سبک‌شناسانه ارائه دهد. پژوهش حاضر با تکیه و تأکید بر علم معانی، گامی مهم در جهت علمی‌سازی نقد، سبک و زبان داستان برداشته و کمبودهایی که در بررسیهای بلاغی آثار نویسندگان معاصر وجود دارد را تا حدودی جبران میکند و کمک مینماید تا نقد معاصر ادبی از کلی‌گویی فاصله گرفته و به جزئیات دقیق زبان و ساختار متن توجه بیشتری داشته باشد. نتایج این پژوهش میتواند به عنوان منبعی مفید در تدریس درسهای بلاغت و سبک‌شناسی دانشگاهها، نگارش مقالات پژوهشی در حوزه بلاغت و نقد زبان و سبک‌شناسی ادبیات معاصر و پژوهشهای میان رشته‌ای از جمله زیانشناسی، ادبیات، جامعه‌شناسی ادبیات و نقد ادبی بکار گرفته شود. همچنین بررسی علم معانی در آثار دولت‌آبادی، نمونه‌ای ملموس و عینی برای یادگیری این مفاهیم در میان پژوهشگران است که میتواند به غنای مباحث نقد ادبی کمک کند.

پرسش‌های پژوهش :

هدف کلی این پژوهش، تحلیل نحوی وجوه فعل و حصر و قصر در داستانهای منتشر شده دولت‌آبادی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ به منظور شناخت سبک بیانی، کارکردهای بلاغی و نقش آن در معناپردازی داستانهای وی است.

پرسش‌های فرعی :

- میزان بسامد «وجوه فعل» در داستانهای بنی‌آدم، طریق بسمل شدن، بیرون در و اسبها اسبها از کنار یکدیگر چگونه است؟

- میزان بسامد استفاده از «قصر و حصر» در داستانهای بنی‌آدم، طریق بسمل شدن، بیرون در و اسبها اسبها از کنار یکدیگر چگونه است؟

- نتایج بررسی ویژگیهای علم معانی چه کمکی به شناخت سبک دولت آبادی و مطالعات بلاغی ادبیات معاصر می کند؟

فرضیه های پژوهش :

- دولت آبادی در آثار ۱۴۰۰-۱۳۹۰ خود ، با آگاهی از مباحث علم معانی ، ساختار نحوی جملات را متناسب با مقتضای حال و مقام مخاطب و با هدف تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب بکار برده است . بکارگیری درست جمله های خبری و انشایی ، تغییر در ترتیب اجزاء ، استفاده از حذف و ذکر ، تقدیم و تأخر همگی نشانه ای از رعایت علم معانی مبتنی بر مقتضای حال و مقام مخاطب در ساختار زبان داستانی اوست و جلوه های علم معانی به شکل آشکار در داستانهای وی دیده میشود .
- بلاغت و ارتباط آن با علم معانی در آثار این دوره نقش اساسی و مهمی در برجسته سازی موضوعات اجتماعی ، سیاسی و انسانی دارند . دولت آبادی از این تکنیکها نه تنها برای زیبایی زبانی ، بلکه برای تأکید یا انتقاد از موضوعات و وقایع خاص اجتماعی و فرهنگی بهره میگیرد و باعث تأثیر بیشتر زبان داستانها گردیده است .
- دولت آبادی در آثار خود بویژه در دیالوگ پردازیها و گفت وگوها از اسلوبهای جمله سازی بهره میگیرد که با اهداف بلاغی علم معانی تناسب دارد . یعنی با تغییر نوع جمله یا جابه جایی اجزاء جمله همچون تقدیم و تأخر ، لحن ، شخصیت پردازی ، آرامش ، تنش، اضطراب و هیجان ، داستان را تنظیم میکند و به گونه ای آشکار بین ساخت جملات و شیوه بیان با موقعیتهای داستانی تناسب ایجاد کرده است .
- علم معانی در آثار دولت آبادی ابزاری برای القاء لایه های پنهان معنا ، انتقال غیر مستقیم مفاهیم سیاسی و کنایه ای واقعیتهای اجتماع است و بیشتر از دوره های قبل استفاده شده است .
- با بررسی میزان بهره گیری دولت آبادی از علم معانی و سطح تأثیرگذاری ، ابهام معنایی در برخی داستانها و عمق شخصیت پردازی آثار او در این دوره ، رابطه مستقیمی وجود دارد . استفاده دولت آبادی از بلاغت و علم معانی سبک داستان نویسی وی را پر بارتر نموده است و نشان میدهد که علم معانی در ادبیات معاصر هم کاربرد مهمی دارد و فقط مختص به متون کلاسیک نیست .

پیشینه پژوهش :

سابقه پیدایش علم بلاغت ، به اوائل قرن اول هجری و تلاشهای متکلمان عرب برای اثبات اعجاز قرآن باز میگردد . بلاغت عربی از بلاغت یونانی تأثیر گرفته و ارسطو هم در مسائل علوم بلاغی جزء پیشگامان است چون کتاب « الخطابه و فن الشعر » وی در تکوین بلاغت عربی تأثیر بسزائی داشته است . اولین بار سکاکی (متوفی ۶۲۶ ه) در کتاب « مفتاح العلوم » خود ، علوم بلاغی را به قسم معانی ، بیان و محسنات (بدیع) تقسیم بندی کرد . نخستین کتابی که درباره بلاغت به زبان فارسی نوشته شده « ترجمان البلاغه رادویانی » است که تا چندی قبل گمان بر آن بود اولین کتاب در بلاغت فارسی کتاب « حقائق السحر رشید وطواط » است . استاد احمد آتش در سال ۱۳۲۶ در کتابخانه فاتح استانبول نسخه خطی کتاب ترجمان البلاغه را یافت و به تصحیح آن پرداخت و دریافت که نخستین کتاب در بلاغت فارسی کتاب « ترجمان البلاغه محمدبن عمر رادویانی » است . سابقه و ریشه علم معانی را مثل علوم دیگر باید در یونان آن هم در دو کتاب بوطیقا و بطوریکای ارسطو و آثار افلاطون جست و جو کرد . « ارسطو در کتاب معروف خود به نام رتوریک (Rhetoric) که بیشتر در مورد فنون سخنرانی است بیان کرده که یک سخنران برای ترغیب مخاطب باید از تمام ابزار خود برای تفهیم مطلب استفاده

کند. به بیان دیگر رتوریک یعنی « هنر گفتن به نحو مؤثر ». (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲). یعنی باید از تمام توان خود برای بیان مؤثر و دلنشین استفاده کرد.

در علم معانی سخن از کاربرد ثانوی جملات است، اما در کتابهای سنتی معانی، گاهی موارد استعمال دستوری را هم توضیح داده اند اما آنچه مسلم است، این است که دستور و بلاغت در هم آمیخته اند. درست است علم معانی با دستور ارتباط دارد اما نه، این است و نه آن. چون دستور زبان بیشتر از تشخیصها و باید‌ها سخن می‌گوید و بیشتر جنبه آموختنی دارد و از آن بصورت خودآگاه هم استفاده می‌شود (مثلاً دستور زبان‌های بیگانه را) اما در معانی بحث از کاربردهای هنری و مؤثرتر و شایسته ترهاست.

روش تحلیل داده‌ها:

جامعه پژوهش شامل کلیه داستانهای دولت‌آبادی از سال ۱۴۰۰-۱۳۹۰ است و برای تحلیل داده‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. به این معنا که ابتدا تمام اجزاء نحوی مورد نیاز در تک تک سطرهای داستانها مطالعه، بررسی و استخراج شد و سپس با تکیه بر مفاهیم نظری علم معانی از جمله وجوه فعل و حصر و قصر بررسی و تحلیل شد، مطابقت میان ساختار جمله و موقعیت روایی نشان داده شده است و همچنین کاربرد فنون بلاغی در انتقال معنا و میزان بسامد استفاده از بلاغت و علم معانی نیز تحلیل و بررسی شده است.

بحث و بررسی:

در منابع دستور سنتی، فعل را، شامل سه وجه دانسته اند. همه منابع، سه وجه اخباری، التزامی و امری را پذیرفته اند، اما برخی دیگر، مصدری، شرطی، وصفی و داعی را هم ذکر نموده اند. وجه جمله از مهمترین جنبه‌های ژرف ساخت یک جمله است. (فاولر، ۱۳۹۰: ۳۰) و شیوه‌ای از استعمال فعل است که گوینده موقعیت خود را نسبت به جریان فعل بیان میکند. عبارت دیگر، حالات گوینده یا نویسنده را نسبت به طرز اجرای عملی توسط فعل در قالب اخبار، التزام، امر، پرسش و یا پیشنهاد بیان میکند. در تعریف وجه فعل، عده زیادی از دستورنویسان به تلقی گوینده از وقوع فعل تکیه کرده اند و آنرا مبنای کار خود قرار داده اند. استاد وحیدیان کامیار در تعریف وجه فعل میگوید: « پنجمین ویژگی فعل، وجه آن است تلقی گوینده یا نویسنده از جمله یعنی مسلم و نامسلم بودن یا امری بودن و نبودن فعل را وجه فعل میگویند ». (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۵: ۵)

خانلری، نیز وجه فعل را به چهار وجه اخباری، التزامی، امری و شرطی تقسیم نموده است. وی میگوید: « به شیوه‌ای از استعمال فعل گفته می‌شود که بوسیله آن گوینده وضع خود را نسبت به جریان فعل بیان میکند عبارت دیگر طریقه‌ای که جریان فعل از طرف گوینده نقل میشود برحسب آن که از وقوع فعلی خبر بدهد یا قصد خود را به انجام دادن یا میل به انجام گرفتن یا شرط انجام گرفتن یا امر به انجام دادن فعلی را بیان کرد. » (ناتل خانلری، ۱۳۶۶: ۱۹۹)

بعضی از دستور نویسان نیز وجه فعل را جدا از نظر گوینده این گونه تعریف میکنند: « فعل را به اعتبار کیفیت بیان مفهوم آن خبری را برساند یا وقوع و حالت آنرا با احتمال یا شرط یا جز آن همراه کند یا فرمانی را برساند از یکی از سه وجه اخباری، التزامی و امری به شمار می‌آورند ». (انوری و احمدی، ۱۳۹۱: ۷۶)

خیامپور، نیز وجه فعل را در برابر قضایا در منطق قرار میدهد و میگوید: « وجه افعال در دستور زبان با جهت قضایا که در منطق مورد بحث است نباید بی ارتباط باشد. بخصوص که لفظ، وجه و وجهیت، هردو یک مصدرند

، منتها یکی بر وزن «فعل» و دیگری بر وزن «عله» و در زبان فرانسه ، نیز معنی اولی کلمه، مصطلح است و دومی بهرحال جنبه وجه فعل عبارت است از دلالت او ، بر وقوع یا لا وقوع عمل به شکل اخبار یا احتمال یا امر « . (خیامپور ، ۱۳۴۴: ۷۹) . علت این اختلافات در این است که در بعضی مطالعات ایرانی ، به مسائل تاریخی زبان فارسی هم پرداخته شده ، ولی برخی فقط و فقط این وجوه را در زبان فارسی بررسی نموده اند .

وجوه فعل ، یکی از مهمترین مؤلفه های زبان در خلق معنی و نشان دهنده نگرش گوینده و ساخت روایت ادبی اوست . دولت آبادی از زمره نویسندگانی است که زبانش ، صرفاً وسیله ای برای انتقال معنا نیست بلکه خود زبان وی نیز مهم است ، لذا نحوه استفاده وی از وجوه فعل میتواند دیدگاه دقیق وی را نسبت به سبک زبانی و روایت پردازی مشخص نماید . وجه فعل ، به گوینده این امکان را میدهد که نوعی موضع گیری نسبت به عمل یا حالت بیان شده در جمله داشته باشد مانند شک ، آرزو ، الزام و ...

در دستور زبان فارسی ، برای جمله چهار نوع وجه قائل اند : پرسشی ، خبری ، عاطفی و امری . (انوری و گیوی ، ۱۳۸۵: ۱۹۷ ؛ فرشیدورد ، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

جملات پرسشی ، ساختار پرسشی میسازند ، متن را ، از یکنواختی رها میسازند و به نوعی هیجان و ارتباط دوسویه نویسنده و مخاطب را بیشتر میکنند . این وجه علاوه بر کارکرد اصلی خودش ، در معانی ثانوی بویژه درگفت و گوی شخصیتها کاربرد زیادی دارد و میتواند بیانگر تردید ، تعجب و شگفتی ، سرزنش ، ترس و نگرانی ، کنجکاوی و یا تقابل میان شخصیتها باشد . داستانهای مورد مطالعه در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۰ ، شامل داستان بنی آدم ، طریق بسمل شدن ، بیرون در و اسبها اسبها از کنار یکدیگر است . کتاب بنی آدم از چند داستان کوتاه تشکیل شده است ؛ داستان مولی و شازده متشکل از ۵۴۲ جمله ، داستان اسم نیست از ۱۵۰۴ جمله ، داستان یک شب دیگر از ۱۲۳ جمله ، داستان امیلیانو حسن از ۳۳۳ جمله ، داستان چوب خشک بلوط از ۲۲۸ جمله و داستان اتفاقی نمی افتد از ۹۸۲ جمله تشکیل شده است . مجموع جملات کتاب بنی آدم ۳۷۱۲ جمله میباشد . تعداد جملات کتاب طریق بسمل شدن ۵۳۳۸ ، کتاب بیرون در ۷۵۷۲ و کتاب اسبها اسبها از کنار یکدیگر دارای ۶۷۹۱ جمله است .

در کتاب آشنایی با علم معانی در زبان فارسی ، در مورد جملات خبری آمده ؛ « ساختارهای نحوی زبان فارسی به دو دسته تقسیم میشوند ؛ یا خبری هستند یا انشایی . اگر در جمله ای احتمال صدق و کذب وجود داشته باشد جمله ، جمله خبری است و اگر در جمله ای احتمال صدق و کذب وجود نداشته باشد و در آن ایجاد چیزی طلب شود آن جمله ، انشایی است یعنی اصل در جملات خبری ، خبر به مخاطب در مورد موضوعی است که از آن اطلاعی ندارد ، ولی در جملات انشایی ، ایجاد موضوعی از مخاطب را طلب کند که اگر بر مقتضای حال و با هدف و اغراض ادبی و زیبایی شناسی به کار روند ، هم جملات خبری و هم جملات انشایی ، در معنای مجازی یا ثانوی به کار میروند و بلاغت آنها افزایش می یابد » . (آشنایی با علم بلاغت ، داریوش ذوالفقاری : ۱۰۷) . اغراض ثانوی جملات خبری عبارتند از ؛ ۱- اظهار تأثر و اندوه ، نه خبر از مضمون جمله ۲- ملامت و توبیخ ۳- بشارت و اظهار انبساط ۴- تشویق کردن و امید دادن ۵- هشدار ۶- اظهار آسودگی و بیان اختتام کار ۷- برای مفاخره ۸- برای تحقیر دیگران ۹- برای استرحام

انشا ، در لغت به معنی ایجادکردن و در اصطلاح ، آوردن جمله هایی که در آنها احتمال صدق و کذب نیست . در انشا ، از واقعه ای در واقع خبر نمیدهیم که بتوانیم آنرا صادق یا کاذب بدانیم ، بلکه انشا ، یعنی خواستن یا نخواستن چیزی . به همین دلیل انشا را به دو دسته تقسیم میکنند : ۱- انشای طلبی ۲- انشای غیرطلبی . که در

زبان فارسی از انشای غیرطلبی، یعنی مدح، ذم و ... کمتر بحث میشود. انواع انشای طلبی عبارتند از، امر، نهی، استفهام، ندا و آرزو

جملات خبری نقش اطلاع‌رسانی را بعهده دارند و ارتباط نویسنده و مخاطب یکطرفه است. کاربرد وجه اخباری به نویسنده این امکان میدهد تا رخدادها را با قطعیت و عینیت بیشتری روایت نماید و با ویژگی واقع‌گرایانه دولت‌آبادی نیز همسو است. نویسنده با بهره‌گیری از وجه خبری، رویدادها، شخصیتها، ویژگیهای محیطی و واقعیتهای اجتماعی را با لحنی نسبتاً مستقیم و گزارشی بیان میکند که در شکل‌گیری فضای داستان و انتقال دیدگاه نویسنده مؤثر است ولی در جملات امری و پرسشی نویسنده و مخاطب در ارتباط و تعامل دوطرفه قرار میگیرند و ارتباطی فعالتر و پویاتر شکل میگیرد. وجه امری بیشتر در گفت‌وگوی میان افراد شکل میگیرد و برای بیان دستور، درخواست، توصیه، هشدار و ترغیب شخصیتها بکار میرود و به پویایی و طبیعی‌تر شدن فضای داستان کمک میکند. نویسنده در استفاده از فعلهای امری، روابط قدرت، تقابل میان شخصیتها و میزان صمیمیت یا اقتدار گوینده را نیز نشان میدهد. بعنوان نمونه؛

- دست کن توی داشبرد ببینم چیزی آن جا پیدا میکنی؟ (بنی آدم، اسم نیست: ۴۶)

- گفتم عصری در فلان روز هفته بیاید سرکوپه‌ی مروی بایستد، میبینمش. (همان، اتفاقی نمی‌افتد: ۹۰)

یافته‌ها نشان میدهد میزان استفاده از فعل امری در کتاب بنی آدم ۷۵ مورد، در کتاب طریق بسمل شدن ۳۱۰ مورد، در کتاب بیرون در ۸۵ مورد و در کتاب اسبها اسبها از کنار یکدیگر ۷۰ مورد است که بیشترین میزان استفاده در کتاب طریق بسمل شدن مشاهده شد.

وجه پرسشی نیز علاوه بر نقشهای نحوی، ابزاری مؤثر برای انتقال عواطف، بازنمایی کشمکش‌های درونی شخصیتها و تقویت لحن گفت‌وگوهاست. در بررسی میزان استفاده از بسامد وجه پرسشی، داستان بنی آدم ۹/۹۴ درصد، داستان بیرون در ۶/۳۵ درصد، داستان اسبها، اسبها از کنار یکدیگر ۸/۶۷ درصد و داستان طریق بسمل شدن ۱۱/۱۰ درصد استفاده شده است که از میان تمام ادات پرسشی که به صورت مجزا تفکیک و بررسی شده اند چه، بسامد بالاتری دارد. آیا، نیز از ادوات استفهامی است که علاوه بر داشتن جمله رسمی و دیالوگ بودن، باعث اطناب نیز میشود. بعنوان نمونه؛

- چرا من باید چنین جرمی کنم؟ (بنی آدم: ۶۹)

- چطور میتوانست برود؟ (همان: ۸۳)

در این پژوهش، از میان جملات عاطفی (جمله‌های دعایی و منادا) و نیز جملات شرطی نیز در آثار مورد مطالعه بررسی شده است. وجه دعایی، نقش زبانی درونی شخصیت و بازتاب روانشناسی موقعیت نویسنده را دربردارد. به گونه‌ای بازتاب ذهنیت و اضطراب شخصیت اصلی داستان که همراه با لحن حسرت‌گونه یا پرهیزگونه را ایفا میکند. وجه دعایی از لایه روایت داستان فراتر میرود و به زبان احساسات و روایت زبانی بدل میشود. در کتاب بنی آدم، ۱۷ مورد، در کتاب طریق بسمل شدن ۱۹ مورد، در کتاب اسبها اسبها از کنار یکدیگر ۴ مورد و در کتاب بیرون در ۲۳ مورد بکار رفته است که بیشترین میزان استفاده در کتاب بیرون در، با ۲۳ مورد است. بعنوان نمونه؛

- پنجه‌هایش بی اختیار خود، جمع شدند و باز، بسته و باز شدند و احساس کرد ابروهایش را انگشتانی میکشاند بالا! در همچو فشاری با خودش گفت: داشتم جسم را میکشیدم! اما نگفت کاش همچو قصدی نکرده بودم. (بنی آدم، اسم نیست، ص ۳۷)

- پسرکی که اسمش تکه بود و نمیتوانست حرف بزند و نواده پیرمرد بود در دل گفت: کاش این بود سنت که پیری را به جریان آب رود بدهند تا او را ببرد طرف دریا، اما کسی حرف دل او را نشنید. (همان، چوب خشک بلوط: ۸۰)

وجه منادا، کمترین میزان استفاده را در کتاب اسبها اسبها از کنار یکدیگر دارد که با اداتی چون: «ای، یا» مطرح میشوند و یا گاهی این ادات حذف شده و در معنا دریافت میشوند. معمولاً منادا، در ابتدای جملات و برای انتقال عاطفه و احساس خود به خواننده آورده میشود. میزان استفاده از منادا در کتاب بنی آدم ۳۰ مورد، کتاب طریق بسمل شدن ۱۲۴ مورد، کتاب بیرون در ۶۲ مورد و کتاب اسبها اسبها از کنار یکدیگر ۲۵ مورد است که بیشترین میزان بسامد در کتاب طریق بسمل شدن مشاهده شد. بعنوان نمونه:

- سراج بار دیگر فقط توانست بگوید یاخدا... (بنی آدم، اسم نیست: ۵۸)

- چی میشنوم و شما چی داری میگویی آقای چسکم... (همان: ۵۰)

وجه شرطی، مبتنی بر شایدها و احتمالات است. در این وجه گاهی قضاوت نویسنده را در مورد موضوعی بیان میکند و در حکم پیش بینی نویسنده در مورد موضوعی است. در کتاب بنی آدم ۵۶ مورد، در کتاب طریق بسمل شدن ۹۲ مورد و در کتاب بیرون در ۱۴۳ مورد و در کتاب اسبها اسبها از پی یکدیگر ۱۲۵ مورد وجه شرطی به کار رفته است که بیشترین میزان استفاده در کتاب بیرون در مشاهده شد. بعنوان نمونه:

- البته اگر روشنایی بیش از آن می بود که بود، ممکن بود سردرآورد از توجه متمرکز چشمان زن به رفتار آن مردک، اما عینک ذره بینی نزدیک بین مرد جواب نمیداد به چنان دقتی که نیاز بود. (بنی آدم، مولی و شازده: ۱۸)

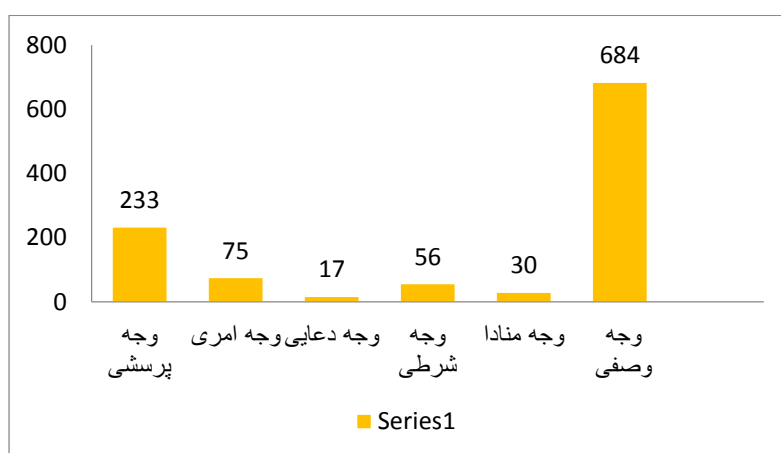
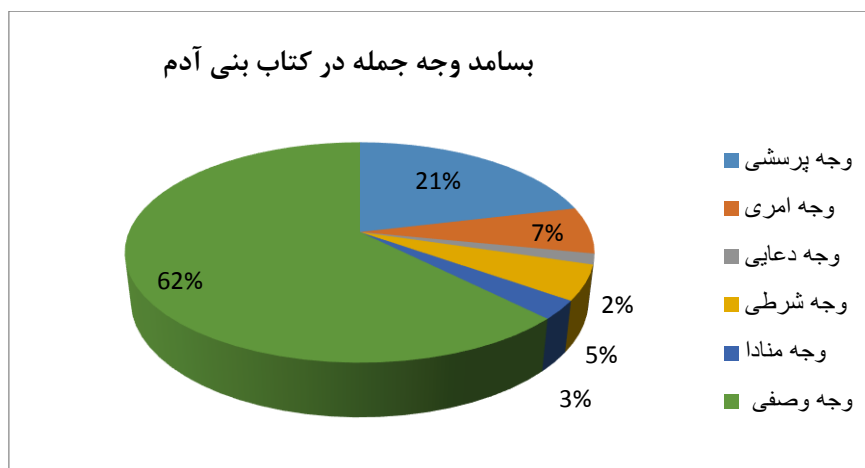
- همانجا که لامپ پنجاه وات برق به سقفش چسبیده بود، و اگر جز آن بود تخت سر میگرفت به لامپی که واقعاً هم مناسب مکان بود. (همان، اسم نیست: ۲۷)

هرچند وجه وصفی از نظر دستوری جزء تقسیم بندی وجه جمله قرار نمیگیرد اما وجه وصفی اسم مفعولی است که کار فعل را میکند. این وجه بیشتر برای ترسیم فضای داستان است. کاربرد وجه وصفی نوعی ایجاز ایجاد میکند و در عین ایجاز، نوعی فضا سازی خلق میکند و تصاویر داستان را، واضح و آشکار بیان میکند. در بررسی میزان وجه وصفی در کتاب بنی آدم ۶۸۴ مورد، در کتاب طریق بسمل شدن ۱۰۲۴ مورد، در کتاب بیرون در ۱۳۸۴ مورد و در کتاب اسبها اسبها از کنار یکدیگر ۱۰۱۳ مورد وجه وصفی مشاهده شد که میزان استفاده از بسامد وجه وصفی در کتاب بیرون در بیشتر است.

در مجموع وجوه جملات غیر خبری در کتاب بنی آدم، جملات امری ۳۱,۴۶٪، جملات پرسشی ۱۰,۰۲٪ در کتاب طریق بسمل شدن، جملات پرسشی ۱۱,۵۲٪، در کتاب بیرون در، وجه پرسشی ۶,۳۶٪ و در کتاب اسبها اسبها از کنار یکدیگر وجه پرسشی ۸,۰۴٪ است که این وجوه بیشتر در دیالوگ ها و گفت وگوها مشهود است.

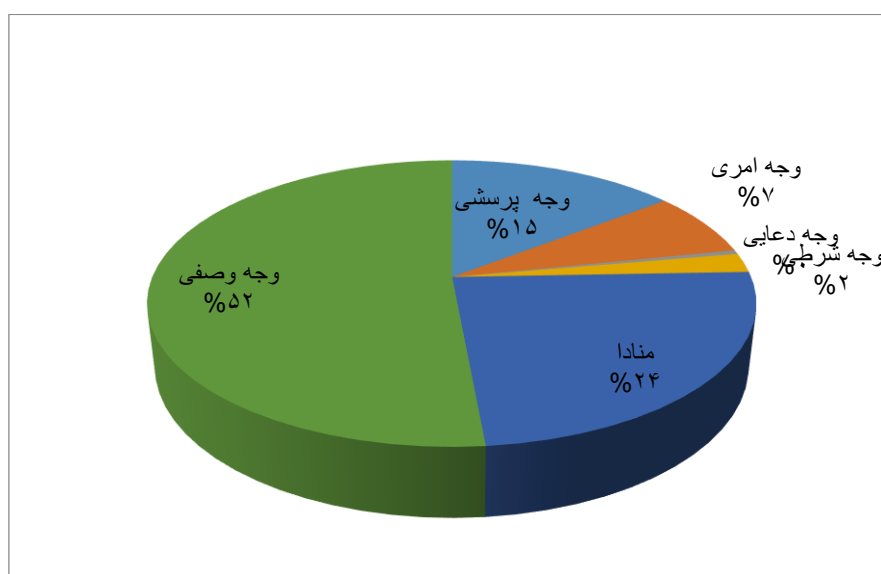
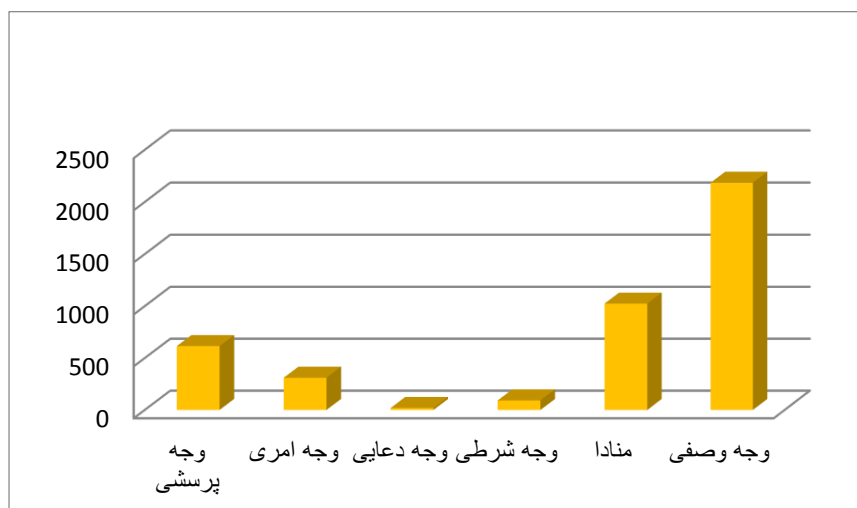
جدول شماره ۱ - بسامد وجه جمله در کتاب بنی آدم

فهرست	وجه پرسشی	وجه امری	وجه دعایی	وجه شرطی	منادا	وصفی
مولی و شازده	۲۱	۴	۰	۸	۲	۱۰۱
اسم نیست	۹۶	۵۱	۳	۲۲	۷	۲۵۶
یک شب دیگر	۰	۳	۰	۴	۰	۱۶
امیلیانو حسن	۲۲	۶	۰	۳	۲	۷۳
چوب خشک بلوط	۱۱	۵	۴	۳	۲	۳۶
اتفاقی نمی افتد	۸۳	۶	۱۰	۱۶	۱۷	۲۰۲
جمع کل	۲۳۳	۷۵	۱۷	۵۶	۳۰	۶۸۴



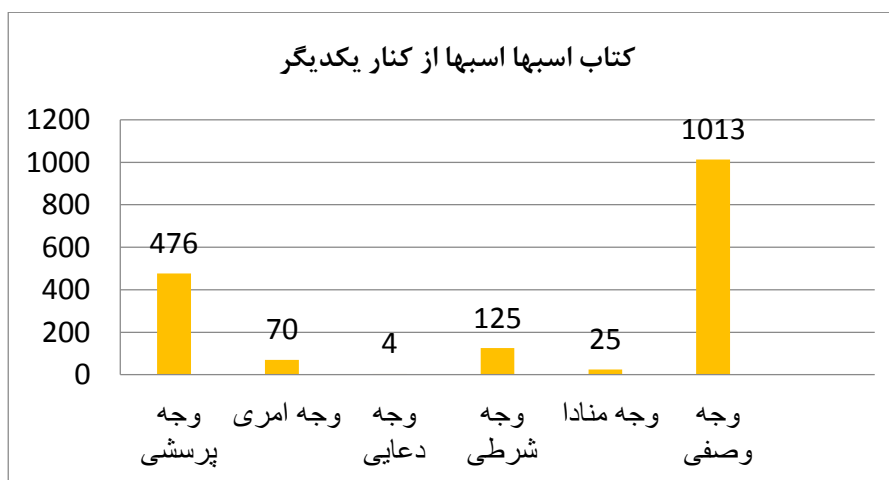
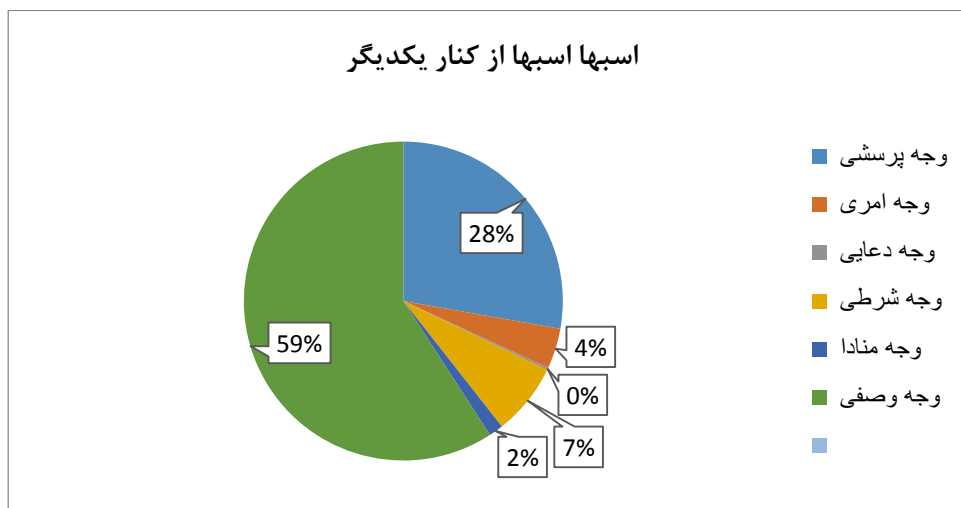
جدول شماره ۲- بسامد وجوه در کتاب طریق بسمل شدن (۵۳۳۸ جمله)

وجه پرسشی	وجه امری	وجه دعایی	وجه شرطی	منادا	وجه وصفی	جمع کل
۶۱۵	۳۱۰	۱۹	۹۲	۱۲۴	۱۰۲۴	۲۱۸۴
%۱۱,۵۲	%۵,۸۰	%۰,۳۵	%۱,۷۲	%۲,۳۲	%۱۹,۱۸	%۴۰,۱۹



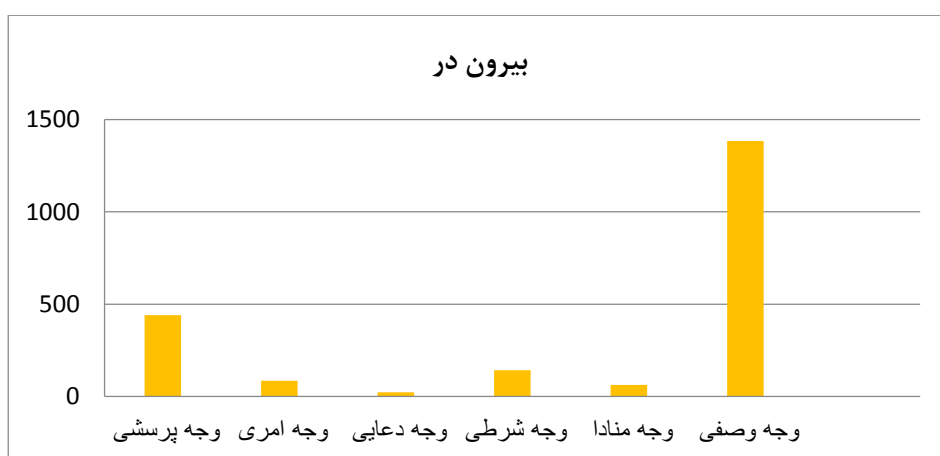
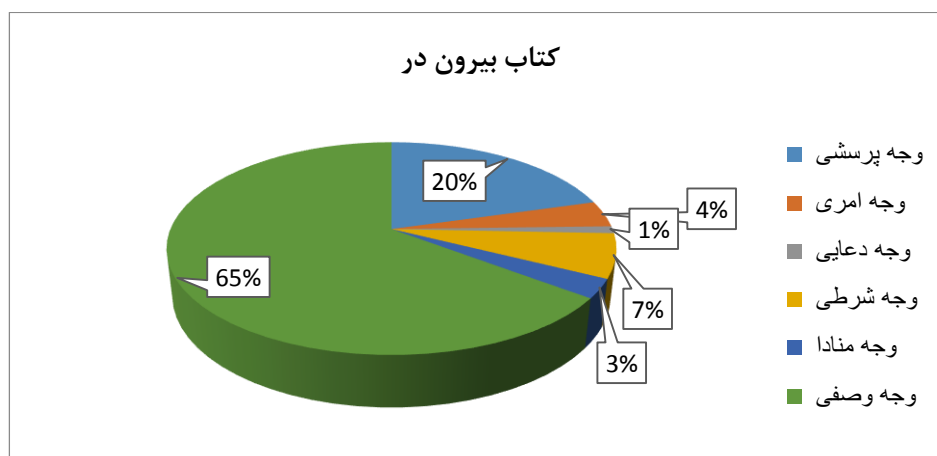
جدول شماره ۳ - بسامد وجوه در کتاب اسبها اسبها از کنار یکدیگر

وجه پرسشی	وجه امری	وجه دعایی	وجه شرطی	منادا	وجه وصفی	جمع کل
۴۷۶	۷۰	۴	۱۲۵	۳۵	۱۰۱۳	۱۷۲۳



جدول شماره ۴ - بسامد وجوه در کتاب بیرون در

وجه پرسشی	وجه امری	وجه دعایی	وجه شرطی	منادا	وجه وصفی	جمع کل
۴۴۰	۸۵	۲۳	۱۴۳	۶۲	۱۳۸۴	۲۱۳۷



یکی از بحثهای مربوط به جمله خبری (البته ممکن است در انواع جملات همچون جملات امری ، پرسشی و عاطفی نیز بکار میرود) بحث حصر و قصر است . « حصر و قصر هر دو به معنی ویژه کردن و حبس و منحصر کردن است و در اصطلاح علم معانی آن است که حکم یا صفتی را به کسی یا چیزی منحصر کنیم و آن حکم یا صفت را از دیگران نفی کنیم و یا آنکه کسی یا چیزی را به حکم یا صفتی منحصر کنیم مثلاً : وقتی میگوییم « جوانمردی جز علی نیست » ، صفت جوانمرد بودن را منحصر به علی کرده ایم و مقصود این است که صفت جوانمردی مخصوص به علی است نه به غیر او . و وقتی میگوییم « علی جز جوانمرد نیست » علی را منحصر به جوانمرد

بودن کرده ایم و مقصود اینست که علی، فقط جوانمرد است و صفت دیگری ندارد. (معانی و بیان علوی و اشرف زاده، ۱۳۷۹: ۷۱)

در کتاب اصول علم بلاغت در زبان فارسی آمده: (رضا نژاد، ۱۳۶۷: ۲۶۸)
حصر در لغت به معنی تنگ گرفتن و منع نمودن از سفر و جزء آن و نیز عجز از گویایی و بازماندن از خواندن و قادر نبودن بر آن و هم نوعی از گرفتگی زبان در گفتار باشد. قصر در لغت، کوتاه کردن و حبس و در اصطلاح، تخصیص چیزی به چیز دیگر است به روشهایی مخصوص و در معالم البلاغه.
در علم معانی، بیان و بدیع رجائی آمده: «قصر در لغت به معنی حبس است و در اصطلاح عبارتست از تخصیص شیء به امری یعنی قراردادن شیء را مختص و منحصر به امری، بدین معنی که از آن امر تجاوز به غیر او نکند.» (رجایی، ۱۳۷۲: ۸۱)

در معانی شمیسا آمده است: «از آن جایی که علم معانی، از اغراض ثانوی، سخن به میان می‌آورد یکی از مباحث مهم و در عین حال پیچیده علم معانی، بحث حصر و قصر است که ساختار جمله و عبارت (نحو) و تکیه و تأکید در تشخیص آن نقش مهمی دارند. حصر و قصر از زبان و ادبیات عربی وارد زبان و ادبیات فارسی شده که تطبیق شیوه‌های تشخیص آن بر اساس الگوهای زبان عربی در حوزه زبان فارسی به دلیل متفاوت بودن بافت و نحو زبان‌ها موجب پریشانی و اظهارنظرهای متناقض از سوی صاحبان این فن در بلاغت فارسی شده است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۲۶)

از قرن پنجم به بعد، دانشمندانی از جمله عبدالقاهر جرجانی، ابویعقوب سکاکی، خطیب قزوینی، سعدالدین تفتازانی و معاصرانی چون احمد هاشمی در حوزه‌های بلاغت عربی کتاب‌های ارزشمندی تألیف کرده‌اند. عبدالقاهر جرجانی، پدر و پایه‌گذار علم معانی و بیان عربی، در دلائل الاعجاز به صورت پراکنده در بابهای ادات حصر آنما، ما، لا و ... مطالبی ذکر کرده است. (جرجانی، ۱۳۶۸: ۴۰۶)، اما بصورت روشن و مشخص درباره انواع حصر و قصر سخن به میان نیاورده است.

از نخستین کسانی که در حوزه بلاغت فارسی به صراحت در مورد حصر و قصر سخن گفته است، ذبیح‌الله صفاست. وی در تعریف حصر نوشته: «در اصطلاح اثبات حکم یا صفت است برای کسی یا چیزی به نحو انحصار و نفی حکم از غیر آن، کسی یا چیزی را که حصر برای آن صورت گرفته است "مقصوفیه" و فعل یا حالتی که بدان اختصاص یافته است، مقصور نامند.» (صفا، ۱۳۶۴: ۳۰) بطور کلی حصر و قصر یعنی انحصار و اختصاص و این در علم معانی مربوط به موصوف و صفت است.

در کتاب معانی شمیسا، «موصوف یعنی ذاتی که آن را در صفتی یا حالتی مقصور می‌کنیم و صفت همان حالت یا حکم است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۶) وی، معتقد است آوردن ادات حصر و قصر اجباری نیست و اگر آورده شود به جهت تأکید، اغراق و تخیل بیشتر است. (همان: ۱۲۶)

پرکاربردترین ادات قصر عبارتند از: جزء، آلا، لیکن، بس، غیر، اما.
براساس کتب معانی، حصرو قصر را به انواع زیر تقسیم نموده‌اند:

- ۱- **قصر حقیقی و قصر ادعایی**، که به آن قصر اضافی هم می‌گویند و بر سه نوع است:
الف) تقسیم قصر به اعتبار حقیقت و واقع. (رجایی، ۱۳۷۲: ۱۲۳)
ب) تقسیم قصر برحسب اعتبار و قصد گوینده. (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۷۷)
ج) تقسیم قصر از دید سرشت و چگونگی آن. (کزازی، ۱۳۷۴: ۱۸۴)

قصر صفت بر موصوف و قصر موصوف بر صفت

- تقسیم قصر به اعتبار طرفین (رجایی، ۱۳۴۰: ۱۲۳)

قصر افراد، قصر قلب و قصر تعیین: تقسیم قصر با در نظر گرفتن اعتقاد مخاطب و احوال او.

حصر و قصر ممکن است قصر موصوف بر صفت باشد یا برعکس قصر صفت بر موصوف. قصر صفت بر موصوف به دو دسته حقیقی و ادعایی (اضافی) تقسیم می شود. نکته مهم این که قصر موصوف، بر صفت هیچگاه نمیتواند حقیقی باشد. چون هیچ موصوفی را نمی توان در یک صفت یا حکم محصور کرد و برای آن صفات دیگری قائل نشد. لذا قصر موصوف بر صفت، صفت ادعایی و اضافی است. قصر موصوف بر صفت ادعایی و اضافی یعنی آنکه به ادعا یا پنداری شاعرانه از بین امور مشخصی، موصوفی را در صفتی منحصر کنند که همه آنها باور نداشته باشند. مثال؛

عبادت به جز خدمت خلق نیست / به تسبیح و سجاده و دلوق نیست (بوستان سعدی، باب اول، در عدل و تدبیر و رأی)

یعنی عبادت (موصوف)، تنها خدمت به خلق (صفت) است این ادعای شاعر است که آنرا در شرایط خاصی بیان کرده است.

۱- قصر صفت بر موصوف: یعنی اینکه صفتی را در موصوفی منحصر کنند مثلاً «لافتی الا علی لا سیف الا والفقر صفت جوانمردی منحصر به علی (ع) است همان طور که صفت شمشیربودن منحصر به ذوالفقار است. (اشرف زاده و علوی، ۱۳۷۹، ص ۷۲) که این نوع قصر بر دو نوع است.

الف) قصر صفت بر موصوف حقیقی: که گوینده صفت یا حکمی را منحصر به کسی یا چیزی کند که دیگران هم آنرا قبول دارند و حقیقت میپندارند و بیشتر در مورد خداوند صادق است.

که جز او نیست در سرای وجود / غیر او نیست در جهان وجود (مغربی، شمس الدین محمد، ترجیع بند ۱)
ب) قصر صفت بر موصوف ادعایی اضافی: که به ادعا یا پنداری شاعرانه یا در شرایط مشخصی را، صفتی را بموصوفی منحصر کنند که مورد قبول همگان هم نباشد در این بیت فقط بر عاشق واصل حسادت برده که حصر صفت بر موصوف ادعایی است.

هرگز حسد نبردم بر منصبی و مالی / الا بر آن که دارد با دلبری و صالی (کلیات سعدی، غزل ۵۷۶)
حصر و قصر با در نظر گرفتن مخاطب و وضع و حال او به سه دسته قصر افراد، قصر قلب و قصر تعیین تقسیم می شود.

۱- **قصر افراد:** هنگامی است که مخاطب میپندارد که یک موصوف دارای دو یا چند صفت است یا آنکه دو یا چند موصوف در یک صفت با هم شریک هستند، ولی گوینده به یکی از آنها حکم را انحصار و اختصاص میدهد. مثلاً؛ اگر کسی تصور کند که علی، هم شاعر است و هم نویسنده و گوینده به او بگوید علی جزء شاعر نیست. این قصر، قصر افراد است. (علوی و اشرف زاده، ۱۳۷۹: ۷۳)

۲- **قصر قلب:** هنگامی است که گوینده، ضد حکمی که شنونده معتقد به آنست بگوید. مثلاً؛ اگر شنونده معتقد بوده که علی نویسنده است و گوینده بگوید علی، فقط شاعر است، در حقیقت ذهن شنونده را از واقعیت امر آگاه میکند.

۳- **قصر تعیین:** هنگامی است که مخاطب، مردّد باشد که از میان چند صفت کدامیک به موصوفی خاص منحصر است و یا از بین چند موصوف کدام به صفت مورد نظر منحصر است و گوینده با انحصار حکم به یکی از

آنها، مخاطب را از شک و دودلی در بیاورد. مثلاً اگر شنونده مردّد باشد که علی، کاتب است یا شاعر و گوینده به او بگوید که علی جز شاعر نیست این قصر تعیین است. دکتر فرشیدورد معتقد است قصر جمله بعد از پیوندهای استثنا مثل؛ مگر، مگر این که، آلا، آلا که، جز اینکه، به غیر از آنکه می‌آید که از حکم مستثنی میشود و از این جمله‌ها، آنهایی که بعد از جمله منفی و جمله استفهامی انکاری می‌آیند تأکیدشان بیشتر است. نکته مهم آنکه قصر تعیین، عامتر از سایر قصرهاست. عبارت دیگر تمام جمله‌های مقصور، جزء قصر تعیین قرار میگیرند، زیرا در حالت‌های عادی و طبیعی کلام، متکلم برای اطلاع‌رسانی به مخاطب جمله‌های خود را مقصور میکند، اما در قصرهای افراد و قلب حالت تردید و انکار وجود دارد یعنی یا مخاطب نسبت به نظر گوینده مردّد است که با قصر افراد، تردید متکلم از بین میرود و یا منکر است که با قصر قلب، نظر انکاری متکلم نادیده گرفته میشود.

جدول شماره ۵ - بسامد ادات حصر در کتاب بنی آدم

جز (بجز)	الا	لیکن	بس	غیر	اما	تنها	فقط	پس	بعد از
۱۱	۰	۰	۰	۰	۱۲۸	۳	۳۷	۴۶	۷
غیر از	سوای	لیکن	بلکه	مگر	ولی	همانا	همان	بل	
۰	۰	۰	۱۳	۱۰	۱	۰	۴۲	۱	

جدول شماره ۶ - بسامد ادات حصر در کتاب بیرون در

جز (بجز)	الا	لیکن	بس	غیر	اما	تنها	فقط	پس	بعد از
۲۲	۰	۰	۷	۰	۱۲۴	۰	۱۹	۶۲	۱۱۵
بعد از	غیر از	سوای	بلکه	مگر	ولی	همانا	همان	بل	
۳۴	۰	۰	۱۶	۴۹	۱	۰	۹۳	۰	

جدول شماره ۷ - بسامد ادات حصر در کتاب طریق بسمل شدن

جز (بجز)	الا	لیکن	بس	اما	تنها	فقط	بعد از	سپس	غیر از
۵	۳	۰	۷	۱۳۵	۹	۶۲	۳۸	۵	۰
سوای	بلکه	مگر	ولی	همانا	همان	بل	پس		
۰	۸	۲۲	۲	۰	۴۸	۲	۷۰		

جدول شماره ۸ - بسامد ادات حصر در کتاب اسب‌ها اسب‌ها از کنار یکدیگر

جز (بجز)	لیکن	بس	غیر	اما	الا	تنها	فقط	پس/سپس	بعد از
۱۹	۰	۴	۰	۱۷۵	۰	۲۱	۴۸	۱۰۵	۳۰
غیر از	سوای	بلکه	مگر	ولی	همانا	همان	بل		
۰	۰	۸	۳۹	۱	۰	۱۲۲	۱		

نمونه حصر و قصر :

- باید آماده میشد برای صبحانه رسمی که چیزی جز فنجانی قهوه و تکه نان تست با حداقلی کره نبود .. (بنی آدم ، مولی و شازده : ۱۸)

- حالا در این جار دیواری فلزی و روان ، نه فقط جسم در حبس مانده بود بلکه روحش هم داشت خفه میشد. (همان، اسم نیست : ۳۴)

جدول شماره ۹ بسامد انواع قصر در رمان های بنی آدم ، طریق بسمل شدن ، بیرون در و اسبها اسبها

از کنار یکدیگر

نام رمان	قصر افراد	قصر قلب	قصر تعیین	تعداد قصر
بنی آدم	٪۳۲	٪۴۶	٪۲۲	۶۰
طریق بسمل شدن	٪۲۸	٪۵۰	٪۲۲	۷۰
بیرون در	٪۳۸	٪۴۰	٪۲۲	۵۵
اسبها اسبها از کنار یکدیگر	٪۲۵	٪۴۵	٪۳۰	۵۰

یافته ها نشان میدهد قصر قلب بالاترین بسامد را دارد یعنی حدود ٪۴۵ ، بخصوص در رمان طریق بسمل شدن . قصر افراد در رمان بیرون در و بنی آدم بیشتر دیده میشود یعنی حدود ٪۳۱ و قصر تعیین در رمان اسبها اسبها از کنار یکدیگر بیشتر است . یعنی در حدود ٪۲۴ دیده میشود .

بطور کلی حصرو قصر در آثار دولت آبادی ابزارهای مهم برای شکل دهی بمعنای روایی ، ایجاد تأکید و تضادهای درونی و بیرونی شخصیتها و درون مایه های فلسفی و اجتماعی هستند . این موضوع در متن دولت آبادی باعث چندلایگی خاصی در بافت و روایتها ی وی میشود و همین آثار دولت آبادی را در میان همعصرانش ممتاز میسازد.

نتیجه گیری :

آثار دولت آبادی از نظر علم معانی ، غنی ، پربار و دارای ساختاری چشمگیر و قابل توجه هستند . وی با آگاهی از علم معانی توانسته زبانی خلق کند که نه تنها کارکرد روایی دارد ، بلکه ابزاری برای القاء معنا ، ساختن فضا و برجسته سازی لحن و شخصیتها باشد . وی در بسیاری موارد با تأخیر و تقدیم ارکان جمله ، معنایی خاص را برجسته میکند و یا ریتم و آهنگی خاص به جمله میدهد. بطور کلی میتوان گفت علم معانی در آثار دولت آبادی نه تنها در خدمت بلاغت و زیبایی شناسی متن است ؛ بلکه در لایه های معنایی ، روانی و اجتماعی روایت نیز نقش اساسی ایفا میکند و همین موضوع باعث شده زبان نثر وی ، زبانی زنده ، مؤثر ، تأمل برانگیز و منحصر به فرد باشد ، زبانی که میان ساختارهای نحوی و معنایی تعادل زیبایی ایجاد کرده است . تحلیل وجوه فعل رابطه گوینده با وقوع فعل را نشان میدهد . وجوه فعل در روایتگری ، بیان قطعیت و احتمال ، فرمان ، آرزو ، پرسش و باز نمایی شخصیتها نقش مهمی دارد . دولت آبادی از وجوه فعلی برای بازنمایی تجربیات زندگی ، حالات ذهنی و تقابل قدرت میان شخصیتها استفاده کرده است .

همچنین وی از حصر و قصر به عنوان ابزارهای مهم ساختاری و معنایی بهره می گیرد . حصر و قصر، دولت آبادی را قادر میسازد تا تنوع ریتم و جریان داستان و روایت را مدیریت نموده و حصر را برای تمرکز و سرعت بیشتر و

قصر، را برای ایجاد فضاسازی و تعمق بیشتر به کار برد. ترکیب این دو ساختار علاوه بر جنبه زیبایی‌شناسی، نشان‌دهنده توجه نویسنده به روان‌شخصیتها و دقت در بیان موقعیتهای اجتماعی و انسانی داستان است. بطور کلی حصروقص در آثار دولت‌آبادی ابزارهای مهم برای شکل‌دهی بمعنای روایی، ایجاد تأکید و تضادهای درونی و بیرونی شخصیتها و درون‌مایه‌های فلسفی و اجتماعی هستند. این موضوع در متن دولت‌آبادی باعث چندلایگی خاصی در بافت و روایت‌های وی میشود. نتیجه کلی اینکه؛ استفاده هوشمندانه دولت‌آبادی از حصر و قصر هم به تقویت روایت و شخصیت‌پردازی کمک میکند و هم بازتاب علم معانی را در داستانهایش برجسته میسازد. به عبارت دیگر نه تنها استفاده از علم معانی در ایجاد تأثیر روانی و معنایی خواننده مهم است بلکه جزئی از امضا و سبک نویسنده‌گی وی به شمار می‌آید.

مشارکت نویسندگان :

این مقاله از رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد با عنوان تحلیل نحوی داستانهای محمود دولت‌آبادی در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰ استخراج شده است که آقای دکتر اصغر رضایپوریان استاد راهنما، نویسنده مسئول و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند و خانم کبری ویسی بعنوان دانشجوی و نگارنده در گردآوری این مقاله نقش داشته‌اند و در نهایت محتوای این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی :

نویسندگان بر خود می‌دانند مراتب تشکر و قدر دانی خود را از گروه آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد و همچنین جناب آقای دکتر امید مجد، مدیر مسئول مجله بهار ادب که در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاریگر ما بودند اعلام نمایند.

تعارض منافع :

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این مقاله در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی نویسندگان این مقاله است و ایشان نسبت به انتشار آن رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES :

- Anvari, Hassan, and Ahmadi Givi, Hassan. (2011). *Persian Grammar 2*. 4th ed. Tehran: Fatemi, p. 76.
- Jurjani, Abd al-Qahir. (1989). *Dala'il al-I'jaz fi al-Qur'an* [The Proofs of Inimitability in the Quran]. Translated by Seyyed Mohammad Radmanesh. Mashhad: Astan Quds Razavi, p. 406.
- Khayyampour, Abdolrasoul. (2009). *Persian Grammar*. 14th ed. Tehran: Sotoudeh, p. 79.
- Rajaei, Mohammad Khalil. (1993). *Ma'alim al-Balaghah* [Landmarks of Rhetoric]. 3rd ed. Shiraz: Shiraz University, pp. 81-123.

- Rezanejad (Noushin), Gholamhossein. (1988). *Principles of Rhetoric in the Persian Language*. Tehran: Alzahra, pp. 268–277.
- Dowlatabadi, Mahmoud. (2020). *Horses, Horses, Side by Side*. Cheshmeh Publications.
- (2015). *Bani-Adam*. Tehran: Cheshmeh Publications.
- (2018). *Outside the Door*. Tehran: Cheshmeh Publications.
- (2018). *The Path of Being Sacrificed*. Tehran: Cheshmeh Publications.
- Zolfaghari, Dariush. (2016). *An Introduction to the Science of Semantics (Ilm-e Ma'ani) in the Persian Language*. 1st ed. Tehran: Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, p. 107.
- Sa'di Shirazi, Mosleh-oddin Abdollah. (1387). *Bustan-e Sa'di* [The Orchard of Sa'di], edited by Mohammad-Ali Foroughi, 3rd edition, Fararavi Publications, Chapter One: On Justice, Governance, and Prudence.
- Sa'di Shirazi, Mosleh-oddin Abdollah. (1380). *Kulliyat-e Sa'di* [The Collected Works of Sa'di], edited by Mohammad-Ali Foroughi, 2nd edition, Tehran: Namak, Ghazal 576.
- Shamisa, Sirus. (1386). *Ma'ani* [Semantics/Rhetoric], Mitra Publications, pp. 16–22, 126.
- Safa, Zabiollah. (1364). *A'in-e Sokhan* [The Art of Speech: A Brief Overview of Persian Semantics and Rhetoric], 3rd edition, Qoqnoos Publications.
- Alavi-Moghaddam, Mohammad; Ashraf-zadeh, Reza. (1379). *Ma'ani va Bayan* [Semantics and Rhetoric], 8th edition, SAMT Publications.
- Fowler, Roger. (2011). *Literature as Discourse: Linguistic Approaches to the Study of Literature*. Translated by Hossein Payandeh. Tehran: Ney, p. 30.
- Kazzazi, Jalal-al-Din. (1994). *Linguistics of Persian Discourse*. Vol. 2: *Semantics* (Ma'ani). 3rd ed. Tehran: Markaz, p. 184.
- Maghrebi, Shams-al-Din Mohammad. (1969). *Divan-e Shams-e Maghrebi*. 1st ed. Tehran: Eslamiyeh Publications, Tarji-band 1.
- Natel Khanlari, Parviz. (1973). *Persian Grammar*. 2nd ed. Tehran: Iran Culture Foundation, p. 199.
- Vahidian Kamyar, Taghi, and Omrani, Gholamreza. (2007). *Persian Grammar*. 10th ed. Tehran: SAMT, p. 5.

List of Articles:

- Taghinejad, Fatemeh. (2018). A Critical Review of Grammarians' Views on Verbal Nouns and Verbal Adjectives. Vol. 7, No. 36, 36–61.
- Hasanpour Alashti, Hossein. (2007). Narrative Language Characteristics in Three Works by Mahmoud Dowlatabadi. Vol. 8, No. 14, pp. 139–160.
- Sarraf, Karmin; Mortazavi, Seyyed Jamal-ed-Din; Safari, Jahangir; Mousavi, Seyyed Kazem. (2020). Stylistics of Mahmoud Dowlatabadi's Works Based on Academic Articles. *Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e Adab)*, No. 47, pp. 105–121.

Farshidvard, Khosrow. (1972). Historical Grammar of the Persian Language: The Structure of the Verbal Sentence and Its Evolution in Persian. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan*, No. 8, pp. 256-299.

Naseri Mashhadi, Nosrat. (2019). A Fresh Look at the Discussion of Verbal Mood in the Persian Language. *Quarterly Journal of Literary and Rhetorical Studies*, Vol. 7, No. 28, pp. 11-25.

فهرست منابع فارسی

احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۸۵). دستور زبان فارسی ۲، چاپ بیست و پنجم، تهران: فاطمی، ص ۷۶

جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۸). دلائل الاعجاز فی القرآن. ترجمه سید محمد رادمثنش. مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۴۰۶

خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۸۸). دستور زبان فارسی. چاپ چهاردهم. تهران: ستوده، ص ۷۹
رجایی، محمدخلیل. (۱۳۷۲). معالم البلاغه. چاپ سوم. شیراز: دانشگاه شیراز، صص ۱۲۳ - ۸۱
رضانژاد (نوشین)، غلامحسین. (۱۳۶۷). اصول علم بلاغت در زبان فارسی. تهران: الزهرا، صص ۲۶۸ - ۲۷۷
دولت آبادی، محمود. (۱۳۹۹). اسبها اسبها از کنار یکدیگر: انتشارات چشمه

----- (۱۳۹۴). بنی آدم، تهران: انتشارات چشمه

----- (۱۳۹۷). بیرون در، تهران: نشر چشمه

----- (۱۳۹۷). طریق بسمل شدن، تهران: نشر چشمه

ذوالفقاری، داریوش. (۱۳۹۵). آشنایی با علم معانی در زبان فارسی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ص ۱۰۷

سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۷). بوستان سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، چاپ سوم، انتشارات فراوی، باب اول در عدل و تدبیر و رای

سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۰). کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، چاپ دوم، تهران: نامک، غزل ۵۷۶

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). معانی: نشر میترا، صص ۱۶-۲۲ - ۱۲۶

صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۴). آیین سخن (مختصری در معانی و بیان فارسی). چاپ سوم: انتشارات ققنوس
علوی مقدم، محمد، اشرف زاده، رضا. (۱۳۷۹). معانی و بیان. چاپ هشتم: انتشارات سمت
فاولر، راجر. (۱۳۹۰). ادبیات به منزله کلام در زبان شناسی و نقد ادبی. ترجمه حسین پاینده. تهران: نی، ص ۳۰

کزازی، جلال الدین. (۱۳۷۳). زبان شناسی سخن پارسی. جلد دوم. معانی. چاپ سوم. تهران: مرکز، ص ۱۸۴

مغربی، شمس الدین محمد. (۱۳۴۸). دیوان شمس مغربی. چاپ ۱: نشر اسلامی، ترجیع بند ۱
ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۵۲). دستور زبان فارسی، چاپ دوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۹۹
وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا. (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی، چاپ دهم. تهران: سمت، ص ۵

فهرست مقاله ها :

- تقی نژاد ، فاطمه . (۱۳۹۷) . بررسی و نقد دستور نویسان در رابطه با وجه وصفی و فعل وصفی . سال هفتم ، شماره ۳۶-۶۱ ، ۳۶
- حسن پور آلاشتی ، حسین . (۱۳۸۶) . ویژگی های زبان روایت در سه اثر از محمود دولت آبادی . سال هشتم ، شماره ۱۴ ، ۱۶۰-۱۳۹
- صراف ، کارمین ؛ مرتضوی ، سیدجمال الدین ؛ صفری ، جهانگیر ؛ موسوی ، سیدکاظم . (۱۳۹۹) . سبک شناسی آثار محمود دولت آبادی بر مبنای مقالات دانشگاهی . نشریه سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهارادب) ، شماره ۴۷ . ۱۲۱-۱۰۵
- فرشیدورد ، خسرو . (۱۳۵۱) . دستور تاریخی زبان فارسی ساختمان جمله فعلی و تحول آن در زبان فارسی . نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان . شماره ۸ ، ۲۹۹-۲۵۶
- ناصری مشهدی ، نصرت . (۱۳۹۸) . نگاهی تازه به بحث وجه فعل در زبان فارسی . فصلنامه پژوهش های ادبی و بلاغی ، سال هفتم ، شماره ۲۸ . ۲۵-۱۱

معرفی نویسندگان

کبری ویسی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

(Email: kobra.veisi@iaua.ac.ir)
(ORCID: 0009-0000-7933-0122)

اصغر رضاپوریان: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

(Email: rezapourian@iaua.ac.ir :نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0002-1252-4624)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Kobra Veisi: Department of Persian Language and Literature, ShK.C., Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

(Email: kobra.veisi@iaua.ac.ir)
(ORCID: 0009-0000-7933-0122)

Asghar Rezapourian: Department of Persian Language and Literature, ShK.C., Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

(Email: rezapourian@iaua.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0000-0002-1252-4624)